

شهر آرا مجله

درددل رودر روی اهالی شهرک شهید باهنر بافرمانده انتظامی مشهد

گفت و گو با خد متگزار مسجد بقیه... در محله کارمندان

رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵:

تکاپو برای پایان بخشیدن به معضل افراد بدون هویت

کافی است مردم بدانند قرار است مسئولی پا به محله‌شان بگذارد، با دعوت یا بی دعوت خود را به محل می‌رسانند و سر درد دلشان باز می‌شود. درست این مسئله در این دیدار مردمی با مسئولان انتظامی مشهد اتفاق می‌افتد...

خادم یار دو چرخه سوار پارالمپیک

او میلی به ایستادن ندارد. ماجرای زندگی‌اش پر از رفتن است. رفتن و ادامه دادن آن هم با یک پا. پایی که سال‌ها پیش در ده سالگی طی حادثه‌ای تلخ، زیر یک ماشین سنگین جا می‌ماند. او روزها با پایی له شده روی تخت بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند تا جایی که سرانجام مجبور می‌شوند پای عفونت کرده و کرم خورده او را قطع کنند...

هیچ دانش آموزی به دلیل فقر از تحصیل باز نمانده است

در سال ۱۹۶۱ میلادی اگر در جهان قصد معرفی کشوری با مؤلفه‌های منفی را داشتند بی شک این کشور چین بود؛ بی سوادترین، فقیرترین، معتادترین و بی‌کارترین اما کار به جایی رسید که در تجارت بین الملل جزو سرآمدان دنیا شد...

۲

۶

۳



روایت عینی از مراسم سنتی روز نهم محرم در شهرک شهید بهشتی

ماتمکده‌ای عربی در قلب شهر

۴



درددل رودرروی اهالی شهرک شهید باهنر با فرمانده انتظامی مشهد

زنی شبیه من

حرف اول



سهیلا حسینی
کتابدار محله محمدآباد

سر ظهر بود و داشتم از پله های بلند و زیادی که از ایوان شروع و به حیاط ختم می شد که یک دفعه پسر جوانی رو به رویم ظاهر شد. جاخوردم و زبانم بند آمد. برای چند لحظه کوتاه نگاهمان به هم گره خورد. پسر سرش را پایین انداخت و سلام داد. آن قدر هول شده بودم که نتوانستم جواب سلامش را بدهم. بدون سلام و خدا حافظی دویدم توی حیاط و از آنجا هم یک نفس به خانه خودمان رفتم. زن برادرم، خدیجه، داشت از چاه آب می کشید. من را که دید دلو آب از دستش رها شد و به ته چاه افتاد. ترسیده بود. گفت: «قدم! چی شده؟ چرا رنگت پریده؟»

ادبیات حوزه مقاومت و جنگ و دفاع مقدس غنی است اما همیشه بر این باور بودم که خیلی مردانه است؛ به طوری که من به عنوان یک زن تمایل زیادی به خواندن کتاب های این حوزه نداشتم. خوشبختانه در سال های اخیر با ظهور نویسندگانی که به تشریح زندگی زنان در بحبوحه جنگ پرداخته اند موضوع دفاع مقدس هم یک بعد لطیف و زنانه پیدا کرد. اتفاقا مثل توپ هم صدا کرد و خیلی از خوانندگان کتاب را جذب خودش کرد.

کتاب برجسته و شیرین «دختر سینا» از آن دست کتاب های خوش حجم و جذابی است که خواننده را به طرز دلپذیری با خود همراه می کند. این کتاب، قصه زندگی زنی به نام قدم خیر است که شوهرش راهی جبهه های جنگ است و خود به همراه کودکش در کشاکش رنگ به رنگ زندگی جاری می شود و زندگی می کند. زنی که بی پروا از شروع عاشقانه هایش و عشق به همسرش سخن می راند. خیلی شفاف از علاقه و عاطفه اش می گوید. نویسنده زندگی و خاطرات قدم خیر، موضوعاتی مثل بزرگ کردن بچه ها، سختی کارهای منزل در غیاب همسر، توصیف بوی حضور مرد عاشق در خانه، شرح عطر صمیمیت و اوج هیجان و عطش یک زن برای دیدار همسرش و بالآخره دغدغه های ذهن و قلب یک زن که نه بهتر است بگویم هزاران زن را به زیبایی به تصویر می کشد. بالآخره طعم سخت هجران از همسر به واسطه شهادت در جبهه بر جان قدم خیر می نشیند و صفت های زندگی اش پراز عطر دلنگی می شود.

لابه لای سطرهای کتاب همراه قدم خیر عاشق می شوی، گریه می کنی، می خندی، دلنگی می شوی، به لباس ها چنگ می زنی و آن ها را می شوی و در زمستان سرد پیت نفت حمل می کنی، همراه او با صدای گلوله ها وحشت زده می شوی، سفره می اندازید و انتظار می کشید...

چه حس خوبی است هم قدم شدن با قدم خیرهای عاشق، قدم خیرهای پر مهر و پر تلاش... ■

تکاپو برای پایان بخشیدن به معضل افراد بدون

می شوند. منظور ما افغانستانی هایی که مثل بقیه مردم این شهر سالم زندگی می کنند نیست. منظور ما همان هایی هستند که علاوه بر ایجاد معضلات اجتماعی، مسائل بهداشتی را هم رعایت نمی کنند. پیشنهاد این است در ساعاتی خاص که امنیت محله آستان هر گونه جرمی است گشت زنی های پلیس بیشتر شود. «گرمه هم چون موضوع امنیت است از نبود احساس امنیت در بعضی مواقع روز در محله به شدت گلايه کرده و می گوید: «برخی افراد نامعلوم مزاحمت های متعددی برای اهالی دارند و کسی جرئت برخورد با آن ها را ندارد. اگر هم موردی را به ۱۱۰ گزارش دهیم معمولاً رئیس کلاتری زدتر از گشت ۱۱۰ به محل می رسد. ۱۹۷ هم وضعیتش همین طور است.» او درباره چلوها هم نکاتی دارد: «بیشتر این افراد بدون هیت اسلحه نگهداری می کنند. دلهره نگهداری بچه هایمان را داریم که چطور در این شرایط مواظبشان باشیم، چون نمی شود به دست پای بچه زنجیر زد و گفت از خانه بیرون نرو. حتی برای سامان دهی این افراد بارها با مسئولان فرمانداری و شهرداری هم جلسه گذاشته ایم اما نمی دانیم ایراد کار کجاست که به نتیجه نمی رسد.» او در پایان پیشنهاد دیگری هم می دهد: «بد نیست در ابتدای چهارراه حسین بربر کانکس پلیس مستقر و دوربین حفاظتی نصب شود.»

محله اند بر صدر مجلس نشسته اند. دقایقی بعد از حضور سرهنگ اکبر آقایی، فرمانده انتظامی مشهد، گفت وگوهای دوفره جای خود را به طرح مسئله در جمع آن هم بی هیچ مقدمه ای می دهد. حقدادی که کاسب و معتمد و از ساکنان قدیمی محله و عضو شورای اجتماعی محله نیز هست، گفتنی ها را می گوید: از سال ۹۵ تاکنون همایش و جلسه های متعددی در حوزه امنیتی این دو شهرک شهید رجایی و باهنر داشته ایم اما متأسفانه وعده ها کم رنگ نشده بلکه روز به روز بیشتر شده است. به ویژه همین مسئله چلوها (بدون هیت) که همین چند وقت پیش در محله کشاورز درگیری داشتند. حضور چلوها در این محله عمری چهل ساله دارد. دل پر حقدادی او را به سمت طرح معضلات دیگر نیز می برد: اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر در این شهرک به وفور است. از این طرف متهم دستگیر و خانه پلمب می شود و از آن طرف با وثیقه و به هزار و یک ترفند آزاد می شود لیک دیگر از ساکنان درد دل می کند: «روی صحبت من با مرزبانی است. چطور مرزبانی برورود اتباع نظارت ندارد. هر شب در کوچه حمام شاهد تجمع بی شمار اتباع هستیم که روز به روز تعدادشان زیاد می شود. آن طور که شنیده ام به افرادی خاص ۳ میلیون تومان می دهند و وارد مشهد

خیلی اتفاقی به واسطه یکی از اهالی محله از حضور فرمانده انتظامی مشهد در شهرک شهید باهنر باخبر می شوم. معتمدان محله در

مسجد فاطمه زهرا (س) واقع در انتهای خیابان بسکابادی پیش از آمدن رؤسای کلاتری شهید رجایی و شهید باهنر و فرمانده انتظامی مشهد جمع شده اند. این گفت وگویی صمیمانه با معتمدان محله در حالی اتفاق می افتد که کمتر از یک ماه پیش همین مسئولان انتظامی به همراه «ارضاعلی فیضی» عضو شورای شهر مشهد، به محله آمدند و پای حرف ها و گلايه های مردم شهرک نشستند.

● درد دل های تمام نشدنی

کافی است مردم بدانند قرار است مسئولی با به محله شان بگذارد، با دعوت یا بی دعوت خود را به محل می رسانند و سر درد دلشان باز می شود. درست این مسئله در این دیدار مردمی با مسئولان انتظامی مشهد اتفاق می افتد و به وضوح صدای پیج اهالی شنیده می شود. تعدادشان حدود ۴۰ نفری می شود و ریش سفیدها و آن ها که بزرگ تر



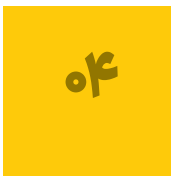
جلسه های متعددی در حوزه امنیتی این دو شهرک شهید رجایی و باهنر داشته ایم اما متأسفانه وعده ها کم رنگ تحقق پیدا کرده است

شهرآرا به قلم دوربین

«لیبک یا حسین» با حضور خانواده شهید حججی

سعیدی گلپایگانی در تفسیر «لیبک یا حسین» ابراز کرد: «لیبک یا حسین» جایی شکل می گیرد که دو صف حق و باطل وجود داشته باشد. «لیبک یا حسین» یعنی شما در صف حق هستید و علیه باطل موضع گیری کرده اید. وی با اشاره به ماجراهای بازگشت پیکر شهید حججی از سوریه به ایران یاد آور شد: بدن این شهید در سوریه بود و بنا شد بدنش را برگردانند همسر او جمله ای گفت که اگر جنازه او را می آورید و می خواهید امتیازی به دشمن بدهید من بدنش را نمی خواهم، این فکر، جزو افراد بازمانده کربلاست و لیبک آن ها واقعی بود. ■

اجتماع بزرگ «لیبک یا حسین (ع)» مشهد با سخنرانی امام جمعه قم و مداحی حاج صادق آهنگران و با حضور خانواده شهید حججی برگزار شد. به گزارش شهرآرامحله؛ در این مراسم که در شهرک شهید رجایی برگزار شد، امام جمعه قم گفت: لیبک یا حسین (ع)، برای گرفتن پست و مقام نیست، بلکه ادای تکلیف الهی است. آیت... ■



نگارخانه فرهنگ سرای غدیر نمایشگاه عکس عاشورایی برگزار می کند. به گزارش شهر آرامحله، علی یزدانی، کارشناس این فرهنگسرا در باره این فراخوان گفت: هم زمان با ایام سوگواری سالار شهیدان این نمایشگاه عکس برگزار می شود و هنرمندان و عکاسان علاقه مند می توانند حداکثر سه اثر خود را با موضوع عزاداری ماه

محرم و به صورت پوشه فشرده به نشانی ali-yazdani@ali-yazdani.com ارسال کنند. کارشناس فرهنگسرای غدیر گفت: مهلت ارسال آثار تا پایان شهریور ماه است. یزدانی ادامه داد: هنرمندان می توانند عکس های خود را حضوری به مسئولان و دست اندرکاران نگارخانه فرهنگسرای غدیر در تقاطع بولوار شهید رستمی و شهید شیرودی تحویل دهند. ■



رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵:

هیچ دانش آموزی به دلیل فقر از تحصیل باز نمانده است

کارشناسی انجمن اولیا و مربیان و خیریه امام علی (ع) اداره و کمک های کمیته امداد در بسته های غذایی، نوشت افزار، لباس، کفش و کیف اقدامات مؤثری داشته است. در ارتباط با مبارزه با بیماری ها و به ویژه در حوزه سلامت به طور جهادی تیم های پزشکی رادر شرق مشهد مستقر کردیم که خدماتی بالغ بر ۵/۱ میلیارد تومان از قبیل چشم پزشکی، دندان پزشکی معاینه عمومی، دارو و همچنین عینک بوده است.

شهر آرامحله پیام هایی دریافت کرده مبنی بر اینکه برخی شهروندان به عنوان مثال در شهرک شهید باهنر نمی توانند به سبب فقر، فرزند خود را در مدارس دولتی ثبت نام کنند. همراهی آموزش و پرورش برای این دانش آموزان که پدر بیکار و وضعیت اقتصادی خانواده شان ضعیف است، چگونه است؟

بی شک آموزش و پرورش به همراهی و کمک های اولیه و مشارکت مردم تکیه دارد. در کشورهای پیشرفته مثل ژاپن نیز ۲۵ درصد کل عایدات اقتصادی خانواده خرج تحصیل دانش آموز می شود. اما به دلیل فقر هیچ دانش آموزی از تحصیل باز نمانده و آن شاء... نخواهد ماند. وقتی آموزش و پرورش در مناطق دوردست با همه مشکلات برای عشایر کلاس دایر می کند طبیعتاً در حاشیه شهر مشهد از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. خیلی از دانش آموزان که وضعیت مالی مناسبی ندارند مورد حمایت مدیر و کادر آموزشگاه و خیریه و خیران ناحیه ۵ و مساعدت های موردی کمیته امداد حضرت امام (ره) هستند. ■

سیاسی در رنج است. یکی از موضوعات مهم در شهر مشهد و حتی کشور نبود عدالت آموزشی است. اقتصاد خانوار منطقه ای مثل شهید باهنر و حتی فیزیک مدارس شرق و غرب مشهد قطعاً یکسان نیست به طور مثال به علت شیب شهر مشهد که به سمت شرق است و مستهلک بودن مدارس، در اثر بارندگی های شدید امسال تعداد ۱۴۰ چاه مدارس ناحیه ریزش کرد که ترمیم و بازسازی هر چاه برای ما حداقل ۵ میلیون تومان هزینه داشت.

مبلمان شهری و فیزیک ساختمان های شهر و مغازه ها در شهرک شهید باهنر مگر با غرب و مرکز شهر یکسان است؟

واقعیت این است که شرق مشهد نیاز به توجه بیشتر دارد، هم در حوزه ساخت و سازها و هم بازسازی و بهسازی مدارس موجود و هم توجه به خود دانش آموزان و تاحدی اولیای آنان. پیگیری افتتاح دو مدرسه هم زمان و سالن ورزشی با اهتمام خیر نیک اندیش سرکار خانم طاهباز همچنین ساخت مدرسه خیری جدید در مکان مدرسه عاشورا با عنوان آموزشگاه امام حسین (ع) با کمک و مساعدت مالی شرکت ریلیف اینترنشنال و همکاری اداره اتباع استانداری و وزارت کشور و همچنین افتتاح پروژه مجتمع آموزشی رضوان در شهرک شهید رجایی که هم زمان سه آموزشگاه بزرگ و استاندارد با بودجه و اعتبار دولتی تا آبان به سرجمع مدارس ناحیه ۵ اضافه می شود، از اقدامات ساخت و سازی به حساب می آید. در حوزه کمک های مالی به دانش آموزان نیازمند،

در سال ۱۹۶۱ میلادی اگر در جهان قصد معرفی کشوری با مؤلفه های منفی را داشتند بی شک این کشور چین بود؛ بی سوادترین، فقیرترین، معتادترین و بیکارترین اما

کار به جایی رسید که در تجارت بین الملل جزو سرآمدان دنیا شد و در توسعه به ارتقای جالب توجهی رسید. قطعاً توجه بایسته و همه جانبه به آموزش و پرورش محصول شیرین ارتقای همه جانبه کشور را به وجود خواهد آورد که نمونه های دیگر آن در عرصه جهانی کاری است که ماهاتیر محمد در مالزی انجام داد. در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید شهر آرامحله گفت و گوی مفصلی با غلامرضا بهراد، مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۵ مشهد، انجام داد که بخش نخست آن را می خوانید.

بخش های گسترده ای از حاشیه شهر در ناحیه ۵ آموزش و پرورش قرار گرفته است. بنابراین کوشش بیشتری برای ایجاد عدالت تحصیلی در مقایسه با نواحی برخوردار می طلبید. مصداقی بفرمایید برای آموزش و پرورش دانش آموزان بخش های حاشیه ای شهر (شهرک شهید باهنر و شهید رجایی و...) چه کارهایی تاکنون انجام شده یا قرار است به زودی محقق شود؟

آموزش و پرورش در ارتباط با منابع انسانی و مالی و مباحثی همچون ساختارها و دخالت ها و تأثیر مباحث



هویت

● ارتقای کلاتری

فرمانده انتظامی مشهد هم بعد از صحبت اهالی که بیشترش حول محور چلوهاست، می گوید: «بدانند جمعیت مشهد از مجموع ۲۴ استان کشور بیشتر است. حتی از ۶۱ کشور دنیا هم به مراتب جمعیتش افزون است. این آمار هم می تواند برای شما جالب باشد که در دنیا برای هر ۱۰۰۰ نفر، ۸ پلیس هست که در کشور ما به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۳/۸ نفر است. که در مشهد همین رقم کمتر است. با وجود این قبول داریم کمبودهایی هست. برای همین کلاتری شهرک شهید رجایی را به کلاتری درجه یک ارتقا داده ایم و تجهیزات و امکانات آن هم به تناسب درجه یک بودنش تغییر کرده است.» او آمار از دستگیری هم ارائه می دهد: «در شهرک شهید رجایی ۱۴۰۱۴ نفر متهم از قاچاقچی تادزد و سرور... دستگیری داشتیم. ۳۷۸ سارق هم جداگانه دستگیر و روانه زندان شده اند. قبول کنیم در بحث مثلاً همین سرقت ها شهروندان هم کوتاهی می کنند. با زدن یک قفل کاپوت، جلو خیلی از سرقت های خودرو گرفته می شود. در بیش از ۱۰۰۰۰ انزاع وارد عمل شده ایم که البته در کنار ما بسیج هم بوده است.» فرمانده انتظامی مشهد در ادامه به مردم قول می دهد که مسائل مطرح شده را پیگیری می کند و می گوید: «در باره آزادی متهمان بعد دستگیری با سلطانی، معاون دادستان، گفت و گو کردم که حتی با قرار وثیقه این ها آزاد نشوند و جنبه عمومی جرم که همان ایجاد رعب و وحشت است، لحاظ شود.» ■





روایت عینی از مراسم سنتی روز نهم محرم در شهر

ماتمکده‌های عربی

گل‌دفتر

۶

رهاراد

خبرنگار شهرآرام محله

لباس می‌پوشند، حرف می‌زنند و این مردم هم با بقیه شهر متفرد می‌دهد و عطر قهوه تلخ تمام وجودت را فرامی‌گیرد؛ حتی و نامفهوم آن متوجه نشوی اما از ماجرا در دل همین خانه‌های ساختمان‌های قدیمی رقم می‌خورد. عزاداری پرشور شهرک گم می‌

شهرک شهید بهشتی برای من، آن‌ور هیجان‌انگیز و دوست‌داشتنی شهر است. آن‌ور پر رمز و راز و پر از قصه که هنوز آن‌جور که باید و شاید کشف نشده! هر بار که به این شهرک پا می‌گذارم با چیزهای تازه‌ای مواجه می‌شوم. آدم‌ها اینجا مدل خودشان هستند و معنای شخصی خود را برای زندگی خلق کرده‌اند. به سبک خودشان

که حالا پرشورتر از قبل در هوا تکان می‌خورند و محکم بر سر و سینه کوبیده می‌شوند. آن‌قدر محکم که با هر ضربه که فرود می‌آید چیزی درونت تکان می‌خورد.

● نمایش یزله

حالا جمعیت ایستاده است و دایره‌ای شکل می‌گیرد. دایره‌ای حول عمه ناجی، دختر و عروسش. به نوبت می‌خوانند و یکی از یکی پرسوز و گدازتر. کم‌کم چند دختر جوان خودشان را به مرکز جمعیت می‌رسانند و به میان دایره می‌آیند. می‌چرخند و می‌چرخند و سینه می‌زنند و گاه روی دوزانو خم می‌شوند. درباره این حرکت و معنی پشت آن از خانم بغل دستی ام می‌پرسم دست و پا شکسته با لهجه‌ای غلیظ برایم توضیح می‌دهد که به این موسیقی و حرکات (یزله) می‌گویند و یزله نوعی موسیقی محلی جنوبی است که در آن ریتم و حرکات نمایشی مهم‌تر از محتوا و کلام است. در همین حال قطره‌هایی به سر و صورتان می‌خورد. گلاب‌پاش را می‌بینم که توسط یکی از خانم‌ها توی هوا تکان تکان می‌خورد. عطر گلاب و خوشبوکننده تند عربی فضا را پر می‌کند. سینه‌زنی شدت می‌گیرد. اشک‌ها تبدیل به هق‌هق شده‌اند و همه یک‌صدا با عمه ناجی می‌خوانند.

● زن سیاه‌پوش

این شور و حال برای چند دقیقه ادامه پیدا می‌کند و بعد از آن جمعیت دوباره می‌نشینند. عمه ناجی آبی می‌نوشد، نفسی تازه می‌کند و فوزیه، عروسش شروع می‌کند به خواندن. در همان حال با فنجان‌های کوچک چای زعفران از مهمان‌ها پذیرایی می‌شود. البته بهتر است بگویم زعفران خالی! آن‌قدر طعم زعفران بر چای غالب است که تا ته گلورا می‌سوزاند. هنوز زعفران دم کرده را تمام و کمال پایین نداده‌ام که از تنها اتاق خانه، زنی سر تا پا مشکی با برقی سبزرنگ وارد جمعیت می‌شود. عبور می‌کند و کنار گهواره در گوشه‌ای از خانه می‌ایستد. شمایل حضرت علی اصغر (ع) را که در پارچه سبز پیچیده شده آرام از توی گهواره بلند می‌کند، به بغل می‌گیرد و در گوشش لالایی می‌خواند. فوزیه حالا پرسوزتر از همیشه می‌خواند. وری آن واژه‌های پر حرارت سوز و گداز فحوا می‌رثیه را حس می‌کنم. شانه‌های زن زیر چادر می‌لرزد، شیون زن‌ها بلند می‌شود و باز دست‌ها به سر و سینه کوبیده می‌شود. فوزیه این بار چند جمله را فارسی می‌گوید: «دوست داشتم بزرگ شوی و تو مرگ من را ببینی پسرکم، نه اینکه من شاهد مرگ تو باشم...»

● رسم گره زنی

زن سیاه‌پوش از میان جمعیت عبور می‌کند و خانم‌ها با چشم گریبان گوشه چادر و پارچه سبز رنگ توی بغلش را گره می‌زنند. یکی از خانم‌ها می‌گوید که این گره زدن برای مرادگرفتن است. این مرادها هم همه مربوط به فرزند می‌شوند. ممکن است یکی برای سلامت بچه

● صبح روز نهم

نهم محرم است، اواسط شهریور و خنکای صبح پاییزی آرام به صورتم می‌خورد. وارد شهرک می‌شوم. دود پاره هیزم‌های سوخته توی هوا گیج می‌خورد و عطر چای زغالی و قهوه عربی را توی مشام آدم می‌ریزد. شهرک مثل یک داستان نیمه‌تمام رها شده است. لابه‌لای انبوه زباله‌های ریز و درشت به جا مانده از شب گذشته و میان پارچه‌های سیاه آویخته شده از در و دیوار که بی‌کلمه با آدم حرف می‌زنند و صدای همهمه و غوغای دسته‌ها را به یاد آدم می‌آورند. اما امروز به اینجا آمده‌ام تا داستان دیگری را بشنوم. داستانی که تنها راویان آن خانم‌ها هستند. خانم‌های سر تا پا مشکی و چادر عربی به سر که آرام آرام از لابه‌لای ساختمان‌های قدیمی بیرون می‌آیند و به سمت نقطه‌ای مشخص حرکت می‌کنند. مقصد را می‌فهمم. لازم نیست چیزی بپرسم. من هم با آن‌ها همراه می‌شوم.

● خانه کوچک عمه ناجی

مقصد، خانه کوچکی در دل یکی از ساختمان‌های شهرک شهید بهشتی است. همان ساختمان‌های یک‌رنگ و یک‌شکل قدیمی که تشکیل شده از کلی سونیت کوچک قوطی کبریتی. همیشه آن‌ها را از دور تماشا می‌کردم و دوست داشتم از داستان‌های توی این خانه‌ها سردر بیاورم. حالا فرصتی پیش آمده که پا به دل یکی از همین خانه‌های کوچک گرم و صمیمی بگذارم. خانه‌ای که متعلق به یک خانواده مداح است. از دایی‌ها و عمه‌ها بگیرد تا نوه‌ها و نتیجه‌ها. همگی صدایی خوش دارند و روضه‌خوان اهل بیت (ع) هستند. وقتی می‌رسم که عمه ناجی در حال خواندن است و خانم‌ها همراه با ریتم مداحی با دست محکم روی پا می‌کوبند. گوشه‌ای می‌نشینم و نگاه می‌کنم. معماری خانه قدیمی است و به سبک و سیاق همان سال‌هایی که پا به درون آن گذاشته‌اند. بکر و دست‌نخورده، شبیه خودشان و پوشش منحصر به فردی که طی سال‌ها مهاجرت و دوری از دیار تغییر نکرده است، شبیه همین مقتعه‌مانند‌های عربی که به سر می‌کنند و توری زیبای حریری که هنوز به مناسبت عزاداری‌ها روی شانه می‌اندازند. نگاهم را از اطراف می‌گیرم و به عمه ناجی چشم می‌دوزم. «هاشمی» توری روی شانه‌های نحیف زار می‌زند. اگر چهره‌اش را نبینی باور نمی‌کنی که این صدای گرم و گیرا از حنجره پیرزنی سن و سال‌دار بیرون می‌آید. چیزی از واژه‌های غلیظ عربی نمی‌فهمم و نغمه‌ها برایم گنگ و نامفهوم هستند اما بیشتر که دقت می‌کنم شور و حرارت توی حنجره‌اش را حس می‌کنم. آواز حزینی از سینه‌اش برمی‌خیزد، تو را فرامی‌گیرد و در جانت می‌ریزد، پشت پلک‌هایت و بعد توی دست‌هایت که ناخودآگاه همراه با ریتم نوحه حرکت می‌کنند و بر سینه می‌کوبند. دست‌ها را می‌بینم



رک شهید بهشتی

ر قلب شهر

و زندگی می‌کنند. مدل عزاداری باوت است. اینجا عزاداری بوی و صدای آواز حزین عربی که بی اگر چیزی از واژه‌های غلیظ این تمام ماجرا نیست. بخشی کوچک قوطی کبریتی و این خورد و همیشه لابه‌لای مراسم شود و دیده نمی‌شود. اما این بار می‌خواهیم گوشه‌ای از این نیمه پنهان را ببینیم و روایت کنیم. مراسمی که از صفر تا صد آن به دست خانم‌ها و با حضور آن‌ها شکل می‌گیرد و اداره می‌شود. این بار قرار است مراسم طفل شهرک ببینیم. مراسمی که هر سال درست در روز نهم محرم برگزار می‌شود. چراغ این محفل را خانواده محسنی با صدای گرمشان روشن نگه داشته‌اند. خانواده‌ای که از دایی و عمه تا نوه و نتیجه همگی نوحه‌خوان امام حسین(ع) هستند.



مريضش پارچه را گره بزند و دیگری برای بچه‌دار شدن. می‌پرسم تا به حال کسی مراد گرفته است؟ جواب می‌دهد: «چند سال پیش یکی از خانم‌ها که بچه‌دار نمی‌شد در منزل ناجی خانم در همین مراسم یک فنجان کوچک برداشت. این رسم است کسی که خواسته‌ای دارد بدون اطلاع صاحب مجلس یک فنجان کوچک برمی‌دارد و بعد وقتی به مرادش رسید یک سرویس کامل فنجان را پیش کش صاحب مجلس می‌کند. آن خانم هم که به لطف خدا و عنایت انمه اطهار(ع) پارسال بچه‌دار شد یک سرویس کامل برای ناجی خانم آورد.»

آموزش نوحه‌خوانی از دوران کودکی

مراسم در خانه عمه ناجی تمام است اما ادامه آن قرار است بعد از نماز ظهر در خانه دختر عمه ناجی برگزار شود. فرصتی پیش می‌آید برای گفت‌وگو. عمه ناجی حالا نزدیک به ۹۰ سال دارد، گوش‌های سنگین است و فارسی را هم درست و حسابی متوجه نمی‌شود. فوزیه برایم از گذشته عمه می‌گوید. از روزهای کودکی او در آبادان. آن زمان‌ها که درس و مدرسه نبوده او هم مثل هم‌سن و سالانش قرآن را در مکتب‌خانه نزد ملا آموزش می‌بیند. آن زمان ملاها هم همه مرد بوده‌اند. در مکتب‌خانه‌های جنوب رسم بوده که علاوه بر قرآن بچه‌ها مداحی را هم تا حدودی یاد بگیرند. ناجی خانم هم مداحی و روضه‌خوانی را در مکتب یکی از معروف‌ترین ملاهای آن دوره، ملا مهدی آموزش می‌بیند، از روی کتاب‌هایی مثل منتخب الفخری و الحنین که پر از اشعار و نوحه‌های عربی بودند و حالا هم در مجالس عزاداری خوانده می‌شوند. از فوزیه می‌خواهم که از عمه ناجی درباره برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا در جنوب و فرق آن با مراسم عزاداری در شهرک شهید بهشتی بپرسد. ناجی بلافاصله واژه (حراه) را غلیظ ادا می‌کند که یعنی آن دوران مجالس خیلی پرشور و پرحرارت تر بوده‌اند. سینه زنی‌ها طولانی تر بوده و خانم‌ها هم در مجالس زنانه بدون مقنعه سینه می‌زدند. گل و کاه هم روی سر و صورت خود می‌ریختند. می‌گوید که حالا خودش هم دیگر انرژی و توان جوانی را ندارد، پیر شده است و مثل قدیم نمی‌تواند پر قدرت بخواند. فوزیه ادامه حرف او را می‌گیرد و می‌گوید با همه این‌ها صدای ناجی خانم در شهرک زبانزد همه است، تا جایی که حالا گاهی بیرون از شهرک هم از او می‌خواهند که به مراسمشان بیاید و برایشان نوحه عربی بخواند.

او پس از وقوع جنگ و مهاجرت به این شهرک شروع به آموزش نوحه‌خوانی می‌کند. فوزیه که خودش هم یکی از شاگردهای او بوده است، می‌گوید: «آموزش در نوحه‌خوانی عربی خیلی مهم است اما بچه‌ها از همان دوران کودکی در همین مجالس تا حدودی با نوحه‌خوانی آشنا می‌شوند.» کتاب‌های روی میز را نگاه می‌کنم. زیارت عاشورا،

منتخب الفخری، الحنین و... اما دفتر دیگری هم به چشم می‌خورد. یک سررسید با جلد قهوه‌ای پر از شعر دست‌نویس عربی.

شعر غمگین مریم

همه این شعرها را مریم نوشته است و تازه این‌ها بخشی از سررسیدهای او هستند. با او که حرف می‌زنم می‌بینم تمام وجودش شبیه یک شعر غمگین است، پر از اندوه و درد، آن قدر لبریز که همان ابتدای گفت‌وگو همه این غم‌ها از گوشه چشم‌هایش سرازیر می‌شوند. اشک‌هایش را آهسته با گوشه جادش پاک می‌کند. سرش را نزدیک می‌آورد و آرام می‌گوید: «چیزی برایت بگویم. فقط کسی از این دور و بری‌هایمان متوجه نشود. شوهرم خیلی مذهبی بود. دوست نداشتم بخوانم و همیشه سر این موضوع با هم بحث می‌کردیم. یک روز که به‌خشان بالا گرفت تمام کتاب‌های نوحه‌ها را پاره کرد. آن زمان سی ساله بودم. با اینکه از کودکی به شعر و نوحه علاقه داشتم اما تا آن موقع شعری ننوشته بودم ولی آن شب دلم شکسته بود. یک سررسید پیدا کردم و نشستم تا صبح برای خودم نوحه نوشتم. آن قدر این کار آرامم کرد که دیگر هر شب کارم نوحه و شعر نوشتن شده بود.»

-این شعرها چگونه به ذهنانتان می‌رسد؟

کار خدا و یاری انمه(ع) است دیگر.

-تا به حال برای دل خودتان شعری گفته‌اید؟

فقط یک شعر. آن هم بعد از فوت مادرم. همه چیزهایی که موقع خاک‌کردنش دیدم مثل بیت‌های یک شعر غمگین توی سرم مدام چرخ می‌زد. از آخر نشستم همه را نوشتم.

-نخواستید نوحه‌هایتان را چاپ کنید؟

حالا خیلی از نوحه‌خوان‌های شهرک از من می‌خواهند که برایشان نوحه بنویسم. من هم می‌نویسم اما نمی‌شود چاپشان کرد. شوهرم تا همین جا هم خیلی کوتاه آمده است!

جیب‌های خالی و قلب‌های بزرگ

همه نماز می‌خوانند و کم‌کم آماده رفتن به خانه بعدی می‌شوند. دختر عمه ناجی زودتر به خانه‌اش رفته است تا مقدمات اجرای ادامه مراسم در خانه‌اش فراهم کند. درباره ادامه مراسم می‌پرسم و می‌گویند که با همین سبک و سیاق برگزار خواهد شد و فرقی ندارد. از من می‌خواهند که بمانم و ادامه مراسم را از نزدیک ببینم. در همین مدت کوتاه با من که مهمان ناخوانده‌ای در جمع آن‌ها محسوب می‌شدم مثل یک آشنای چندین ساله بر خورد کرده‌اند. آن قدر خوب و صمیمی هستند که نمی‌توانم نه بیاورم. می‌مانم. خانه دختر ناجی دو بلوک بیشتر فاصله ندارد و مراسم هم با همان اصول و مراحل برگزار می‌شود. من به اطراف نگاه می‌کنم و با خودم فکر می‌کنم، به خانه‌های کوچکشان، به جیب‌های خالی‌شان و به بزرگی درونشان. به اینکه با تمام قوا خودشان هستند و به رضایتی که از خودشان و آنچه هستند دارند. به اینکه اصالت دارند و رنگ نمی‌بازند. این شهرک و آدم‌هایش هنوز پر از رمز و رازند. ■





گفت‌وگو با خدمتگزار مسجد بقیه... در محله کارمندان

خادم‌یارِ دوچرخه‌سوار پارالمپیک

هم محلی

با پسرش رکاب می‌زند. این سفر ۴۵ روزه به طول می‌انجامد و بعد از همین سفر است که نام محمود میلی بر سر زبان‌ها می‌افتد. تعریف می‌کند که بعد از این سفر افراد کنجکاو و علاقه‌مند به سفر از هر نقطه‌ای به دیدن او می‌آمدند و ساعت‌ها به گفت‌وگو با او می‌نشستند تا خاطر آش را بشنوند.

تغییر مسیر

می‌گوید مسیری که برای خودش ترسیم کرده طولانی‌تر از این حرف‌ها بوده اما دست‌روزرگار باعث می‌شود که نتواند آن را تا انتها طی کند. البته او حالا پادر مسیر دیگری گذاشته که آن را هم دوست دارد. مدتی پس از بازگشت از سفر سوری دوچرخه‌اش را به سرقت می‌برند. پیگیری‌های او برای پیدا کردن سارق هم راه به جایی نمی‌برد. شکستن مهره‌های کمر و تصادف او با یک موتور هم توان جسمی‌اش را پایین می‌آورد و باعث می‌شود که انگیزه لازم برای خرید یک دوچرخه جدید را نداشته باشد.

خادم‌یار مسجد

با وجود این محمود آدم نشستن و دست روی دست گذاشتن نیست. این روزها محمود میلی خادم یک مسجد است. مسجد بقیه... در خیابان شهید رستمی ۱۶. او یکی از اعضای شورای اجتماعی محلات هم هست و خیلی وقت‌ها در همین مسجد میزبانی جلسات شورای برعهده دارد. درد هم محلی‌هایش را می‌فهمد و یکی یکی مشکلات کوچک و بزرگ محله را نام می‌برد و دغدغه حل شدنشان را دارد. او حالا در این روزها برای نمازگزاران شربت زعفران و گلاب و گاهی چای درست کرده و به مناسبت‌های مختلف بین نمازها به مردم محله تعارف می‌کند. به نظر می‌آید که زندگی پر تلاطم او از تک و تا افتاده باشد اما او خادم‌یاری مسجد را فصل جدید و مهمی در زندگی‌اش می‌داند و می‌گوید: «مسجدها، خانه‌های خدا بر روی زمین هستند. خانه‌هایی پر از نور و مهربانی. برای من خادم مسجد بودن به اندازه رکاب‌زدن و سفر کردن ارزش دارد و یک تجربه خوب در زندگی من است.»

آرزوی گشتن دور دنیا

اما این پایان داستان رکاب‌زن قصه‌مانیست. محمود میلی هنوز هم آرزوهای بزرگی در سر دارد. به فکر یک دوچرخه جدید است و یک مسیر جدید و طولانی‌تر و پر فراز و نشیب. دوچرخه‌ای که با آن چند سال بعد و با به دست آوردن قوای جسمی پیشین بتواند دور دنیا را بگردد. ■

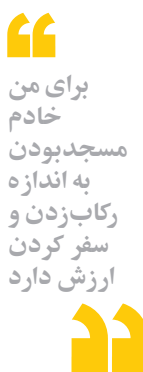
او میلی به ایستادن ندارد. ماجرای زندگی‌اش پر از رفتن است. رفتن و ادامه دادن آن هم با یک پا. پای که سال‌ها پیش در ده‌سالگی طی حادثه‌ای تلخ، زیر یک ماشین سنگین جا می‌ماند. او روزها با پای له شده روی تخت بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند تا جایی که سرانجام مجبور می‌شوند پای عفونت کرده و کرم خورده او را قطع کنند. این شاید آغاز ماجراجویی‌ها و تکاپوهای روح پر تلاطم «محمود میلی» باشد. ورزشکار دوچرخه‌سواری دنیا دیده و سرد و گرم چشیده، با کوله‌باری از تجربه‌های تلخ و شیرین که سرانجام به عنوان یکی از نماینده ایران در رشته دوچرخه‌سواری به مسابقات پارالمپیک آتن در سال ۲۰۰۴ راه پیدا می‌کند. با او که خادم‌یار مسجد بقیه... (عج) و از اهالی محله کارمندان است، گفت‌وگو می‌کنیم.

شروع با یک دوچرخه قدیمی

بعد از مرخص شدن از بیمارستان و طی کردن دوره نقاهت دوچرخه‌ای که پدر بزرگ او قبل از این واقعه برایش می‌خرده و تاملت‌ها در گوشه حیاط خاک می‌خورده را بر می‌دارد و روزهایش را روی ترک آن می‌گذراند. پدرش که این ششور و اشتیاق را می‌بیند، کمکی هم برای جای خالی پای راست روی دوچرخه نصب می‌کند. سال‌ها بعد به پیشنهاد مدیر مدرسه پسرش تصمیم می‌گیرد که با دوچرخه تا شلمچه رکاب بزند. این سفر آغاز سلسله سفرهایی است که بعدها با دوچرخه می‌رود. در طول این مسیر در تهران هم چند روزی توقف می‌کند و با نوه امام خمینی (ره) دیدار می‌کند. او به هر شهری که می‌رسد با شخصیت‌های مهم و مسئولان شهر دیدار می‌کند و مشاهدات خود از سفر و مشکلات مردم را که در طول راه می‌بیند، به مسئولان انتقال می‌دهد.

خطر قطع نخاع شدن

سال ۸۱ به رغم منع شدن او از دوچرخه‌سواری توسط دکتر و خطر قطع نخاع شدن، در مسابقه‌ای مابین جاده کرج و قزوین شرکت کرده و به مسابقات جهانی ۲۰۰۰ معلولان در آلمان راه پیدا می‌کند. او در این مسابقات به دلیل یک اشتباه کوچک و واژگون شدن دوچرخه‌اش مقامی کسب نمی‌کند اما درست ۴ سال بعد در مسابقات پارالمپیک آتن مقام کسب می‌کند. آخرین سفر او چند سال بعد از این مسابقه شروع می‌شود. او تا خود سوری



حجت... حیدری، شهردار منطقه ۶ گفت: عملیات هرس چینی درختان با هدف پیراستگی و فرم دهی درختان در این منطقه انجام شد. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، وی ادامه داد: در این عملیات هرس چینی و فرم دهی ۶۰ هزار اصله درخت هرس سبزی و ۴۵ هزار متر طول هرس پرچین ها

طی ۵ ماه اخیر انجام گرفته است. حیدری افزود: همچنین در عملیات شست و شو و نظیف درختان ۲۴۲ هزار و ۵۷۰ اصله درخت به منظور ایجاد سربسیزی و طراوت، حفظ و احیای فضای سبزی، کنترل آفات و بیماری های گیاهی و پاک شدن تاج درختان از آلودگی هایی مثل گرد و غبار و سموم شیمیایی انجام شد. ■

در نشست شورای اجتماعی محله کشاورز بررسی شد

دغدغه احداث بازارچه محلی در بوستان «رجا»

در محله

۵۹
شهرداری

نشست شورای اجتماعی محله کشاورز به برنامه ریزی برای کارآفرینی زنان سرپرست خانوار و اجرای طرح سایبان امید و ضرورت احداث بازارچه محلی در کنار بوستان رجا اختصاص داشت. به گزارش شهردار محله، کارشناس اجتماعی منطقه در این نشست که در حسینیه بیت الائمه (ع) این محله برگزار شد، ضمن تشریح طرح کارآفرینی زنان سرپرست خانواده گفت: طرحی که ما در کل محلات می توانیم اجرا کنیم طرح الفبای مهارت است. برای منطقه ۶ هم فعلا ۶ محله را مدنظر داریم و ما باید پایگاه خودمان را برای هریک از این محلات مشخص کنیم.



عکس تزیینی است

خسروی درباره گروه هدف این طرح گفت: الفبای مهارتی و مهارت آموزی برای بچه های هشت تا ۱۸ سال در محلاتی که دسترسی به فرهنگ سراها و محیط های آموزشی ندارند است. همچنین زنان سرپرست خانوار هم مدنظر ماست تا با حرفه آموزی توانمند شوند. برای بحث کارآفرینی با مدیر مدرسه اندیشه در ۱۷ گفت و گو هایی انجام دادیم و استقبال کردند و قرار شد فضایی را به ما برای این کار اختصاص بدهند. او افزود: برای ایجاد کارآفرینی پس از مهارت آموزی، حمایت مالی هم اهمیت دارد. مادر شورای اجتماعی محلات این موضوع را مطرح می کنیم تا خیر پیدا شود و بحث فروش هم داشته باشیم.

خسروی همچنین گفت: ما نمی خواهیم کلاس هایی برگزار کنیم که باز خوردی نداشته باشد. بهترین کار این است که از ظرفیت خود محلات استفاده کنیم. مثلا در تاجر آباد بحث سوزن دوزی مطرح است و زنان آنجا تا حدود زیادی با آن آشنا هستند. ما می خواهیم آن ها را توانمندتر کنیم تا بعد از آن مزون داشته باشند یا سفارش های محله های دیگر را انجام دهند. یاد در بسکابادی نان و کلوچه محلی می پزند. باید از این ظرفیت ها استفاده کرد و همان ها را پرورش داد. او در باره طرح سایبان امید نیز گفت: بحث دوم بحث سایبان امید پایگاه های کنترل خشم هستند که در حال رایزنی با آموزش و پرورش ناحیه ۵ هستیم تا مدارسی را به ما معرفی کنند. این کارشناس اجتماعی ادامه داد: کلاس های سایبان امید برای نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ سال است. این دوره کلاس کنترل خشم را داریم. مادر محله کشاورز می توانیم دو پایگاه داشته باشیم که نماز خانه پارک رجا می تواند یکی از پایگاه ها باشد. یکی برای پسر ها و یکی برای دختر ها. باز هم بستگی به درخواست محله دارد. ظرفیت کلاس هم بین ۲۵ تا ۳۰ نفر است و در دوره ۸ جلسه برگزار می شود. مریبان از بهزیستی و باتجربه هستند. این گام اول این طرح است. دوره های بعدی کلاس های مشاوره تحصیلی، کودکان و... را داریم. عباسی، نماینده حوزه پیشگیری، از آسیب های اجتماعی شورای اجتماعی محله نیز گفت:

آی خبر

توانمندسازی اجتماعی با «سایبان امید»

سایبان امید با هدف پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی، افزایش مهارت های کنترل خشم، مدیریت روابط، مهارت های اجتماعی و فکر پروری برگزار می شود. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶، حجت... حیدری، شهردار منطقه، با اعلام این خبر درباره نحوه اجرای طرح سایبان امید در این منطقه گفت: این طرح در قالب برگزاری کلاس هایی برای نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ سال و والدین آنان رایگان اجرا می شود. وی افزود: گام اول این دوره با موضوع کنترل خشم به مدت ۸ جلسه در محلات منطقه ۶ برگزار می شود. حیدری درباره آدرس پایگاه های برگزاری این طرح گفت: طبق بررسی های انجام شده سایبان امید در خیابان شهید بسکابادی ۲۶، جمعیت امام علی (ع)، پایگاه دختران و پسران، اروند یک کانون امام حسن مجتبی (ع)، پایگاه دختران، امیرآباد ۱، کانون انسان سالم، پایگاه دختران، نبش چهنو ۵، مسجد رضویه، پایگاه پسران برگزار می شود. ■

ظرفیت و مهارت؛ شاهبیت آموزش و پرورش

نشست هم اندیشی کارشناس مسئولان آموزش فنی و حرفه ای و کار دانش قطب شهید هاشمی نژاد در سالن شهید فردی آموزش و پرورش ناحیه ۵ برگزار شد. به گزارش روابط عمومی آموزش و پرورش ناحیه ۵، این نشست که با حضور مهندس رضایتی، رئیس اداره آموزش فنی و حرفه ای و کار دانش اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، دکتر ظریف رئیس اداره تکنولوژی و گروه های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی برگزار شد، رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵ با اشاره به توسعه بر اساس ظرفیت های موجود در کشور افزود: ۲ نکته شاهبیت آموزش و پرورش های دنیاست، یک ظرفیت و دو مهارت. به اندازه ای که ما در ایران ظرفیت داریم هیچ کشوری در دنیا ندارد ولی متأسفانه در بحث مهارت که ریشه آموزش و پرورش دارد در سطح نامناسبی قرار داریم. دکتر بهرام در ادامه تصریح کرد: اگر قرار است توسعه را تعریف کنیم به یک روش بسیار مختصر، توسعه؛ یعنی اینکه بتوانیم دارایی را تبدیل به ثروت و ثروت را تبدیل به سرمایه و سرمایه را تبدیل به افزایش ظرفیت و اگر چنین اتفاقی در کشور بیفتد یعنی چرخه درست است و توانسته ایم رفاه نسبی، اشتغال، افزایش ارزش پول ملی و امنیت ایجاد کنیم. مادر زمینه ثروت بسیار غنی هستیم ولی متأسفانه در تبدیل این ثروت به سرمایه و تبدیل سرمایه به افزایش افزوده بسیار ضعیف هستیم و رفع این ضعف در آموزش و پرورش باید صورت بگیرد و آموزش های درست باید در این زمینه انجام شود. مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۵ با اشاره به معضلات موجود آموزش و پرورش گفت: آموزش و پرورش امروز دچار ۴ مشکل اساسی است؛ کمبود منابع مالی، کمبود نیروی انسانی، ساختارهای سازمانی نادرست و دخالت های دستگاه های بیرون از آموزش و پرورش. ■

از کشف سوخت قاچاق تا پلمب ۵ عمده فروشی برنج

با هوشیاری ضابطان قضایی محموله سوخت قاچاق کشف و واحدهای متخلف عمده فروشی برنج پلمب شد. به گزارش شهردار محله، با هوشیاری ضابطان قضایی ناحیه مسلم در اقدامی غافلگیرانه یک دستگاه خودرو خاور که حامل حدود ۵۳۰ لیتر سوخت گازوئیل قاچاق بود و قصد عزیمت به یکی از شهرهای جنوبی کشور را داشت در شهرک شهید رجایی کشف شد. پس از هماهنگی با مقام قضایی متهم تحویل مراجع انتظامی شد. امارصد نامحسوس ضابطان قضایی در محدوده خیابان مصلی سرخ هایی از وقوع تخلف در واحدهای عمده فروشی برنج به دست آن ها داد. این واحدها که بارز دولتی برنج پاکستانی را در حجم انبوه وارد کرده و به قیمت گزاف به خریداران می فروختند و سعی در برهم زدن آرامش بازار برنج داشتند، در خیابان های مصلی و بازار حافظ شناسایی شدند. دستور پلمب واحدها توسط قاضی دشتی فدکی صادر شد و بیش از ۱۲۰ تن برنج نیز توقیف و ۵ واحد صنعتی متخلف پلمب شدند. ■

محلات منطقه ما: چهنو، کارمندان اول، اسوه های دفاع مقدس، کارمندان دوم، محمدآباد، شهید مصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، معقول، کشاورز، پورسینا، موعود، اروند، انصار و شهید باهنر

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: شهرآرامحله: مجیدخرمی
سرمدیر: شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری
مدیر منطقه: شهرآرامحله: سینا عمرانیان
دبیر: شهرآرامحله منطقه: ۶: انسیه شهرکی
تلفن: شهرآرامحله منطقه: ۶: ۳۳۶۶۰۲۰۴

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرامحله: میدان شهدا
نیش دانشگاه یک

دفتر منطقه: ۶: خیابان مصلی، بین مصلی و ۳، بوستان رز
پست الکترونیک: mahalle6@shahrara.ir
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر



۱۱

آماده باش شبانه روزی ۳۱۵ نفر

شهردار منطقه از فعالیت ۳۱۵ نیروی اداره خدمات شهری در روزهای تاسوعا و عاشورا برای پاک سازی و شست و شوی خیابان های منتهی به حرم مطهر خبر داد.



۱۲

جانمایی ۷۰ ایستگاه صلواتی مجوزدار

شهردار منطقه گفت: هم زمان با فرارسیدن دهه اول محرم و با توجه به درخواست های مردمی مجوز برپایی بیش از ۷۰ ایستگاه صلواتی در منطقه صادر شد.



۱۳

احداث ۲۲۱۰ متر جدول

شهردار منطقه ۶ از احداث و بازسازی ۲۲۱۰ متر طول از جداول و کانال های منطقه با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال خبر داد.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

وضعیت بد خیابان چمن

شریفه: سلام، ابتدا و انتهای خیابان چمن ۸۷ کنده شده و به حال خود رها شده است. آن هم در این ایام که مسافر و زائر بیش از هر زمانی است. به طور کلی در بیشتر خیابان های چمن و شهید رستمی کنده کاری زیاد شده است. تعدادی درست شده که البته آسفالت آن خیلی ناهموار و بد است. باقی مانده هم که رها شده است. خواهشمندم رسیدگی کنید.

ایستگاه بدون سایبان و صندلی

ملک: از اینکه مشکلات را مطرح می کنم عذرخواهم ولی چاره ای ندارم. امیدوارم مسئولی پاسخ دهد. ایستگاه اتوبوس بست پایین به طرف مصلی بدون سایبان و صندلی گذاشته شود به حال خود رها شده است. زائران زیادی از این خط استفاده می کنند. لطفا یک سایبان و صندلی بگذارید. این کمترین حق زائر و مجاور است.

حیوانات مزاحم

همسایه: شکایت من و همسایه های اطراف از وجود چند سگ در ابتدای خیابان حر ۲۴ است که باعث سر و صدا و مزاحمت شده است. از مسئولان مربوطه می خواهم این معضل را برطرف کنند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶، حجت... حیدری، افزود: هم زمان با ایام دهه اول محرم پاکبانان و دیگر نیروهای مدیریت شهری مشهد آماده خدمت رسانی به عزاداران و دلدادگان سرور و سالار شهیدان به طور شبانه روزی بودند که در این زمینه هر روز ۳۱۵ نیروی اداره خدمات شهری در ۳ شیفت در روزهای تاسوعا و عاشورا پاک سازی و شست و شوی خیابان های منتهی به حرم مطهر و اطراف ایستگاه های صلواتی و همچنین تطیف و لایروبی جوی ها و کانال ها را برعهده داشتند. شهردار منطقه ۶ درباره دیگر اقدامات ایام تاسوعا و عاشورا حسینی افزود: ۹۶ عدد مخزن ۲۴۰ لیتری در محدوده های ایستگاه های صلواتی و محل های توزیع و پخش نذرها جانمایی و بیش از ۲۲۰ تن زباله در طی این دو روز از منطقه جمع آوری شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه... حیدری ضمن عرض تسلیت ایام شهادت حضرت ابا عبد... (ع) افزود: هم زمان با فرارسیدن دهه اول محرم و با توجه به درخواست های مردمی و تشکیل های مذهبی، مجوز برپایی بیش از ۷۰ ایستگاه صلواتی در منطقه صادر شده تا شهروندان نیز به نوبه خود در این مراسم مذهبی تأثیرگذار باشند. وی افزود: از این تعداد فقط ۵۶ ایستگاه صلواتی در ناحیه یک مجوز گرفت. وی به فضا سازی منطقه متناسب با این ایام اشاره کرد و گفت: از جمله این فضا سازی ها می توان به نصب ۱۲۰ پرچم مشکی در میداين و پل ها، نصب ۴۵۰ عدد آویز ستونی و نیز ۴۰۰ بنر مربوط به پویش «یا حسین (ع)» در معابر و میداين اصلی منطقه اشاره کرد. همچنین ۱۴ سازه نصب بنرهای هیئت مذهبی نصب شد. وی درباره گشت زنی های متعدد گروه های سدمعبر گفت: به عنوان مثال در ناحیه یک ۲ گروه سدمعبر در ناحیه گشت زنی می کردند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، حجت... حیدری، با اشاره به اینکه منطقه ۶ یکی از مناطقی است که بیش از دوسوم آن را بافت فرسوده تشکیل می دهد، گفت: طی برنامه ریزی انجام شده شهرداری منطقه اقدام به احداث و بازسازی ۲۲۱۰ متر طول از جداول و کانال های جمع آوری آب های سطحی در ۵ ماه گذشته کرد. شهردار منطقه ادامه داد: احداث و بازسازی جداول و کانال های منطقه با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال از ابتدای امسال انجام شد. حیدری در ادامه به عملیات تراش و آسفالت حاشیه خیابان حر نیز به منظور به حداقل رساندن نارسایی های شهری، اداره فنی و عمرانی ناحیه ۲ اشاره کرد و افزود: با توجه به احداث کانال جمع آوری آب های سطحی به طول ۱۰۸۰ متر، عملیات تراش و ورکش آسفالت کنار این کانال به اجرا درآمد. در این عملیات اجرای ۱۵۰ تن آسفالت به متر از ۱۵۰۰ متر مربع با اعتباری بالغ بر ۶۰۰ میلیون ریال انجام شد.



مردمک

روز عاشورا نمی دانی که هست ماتم جانی، که از قرنی به ست پیش مؤمن کی بود این قضه، خوار؟ قدر عشق گوش، عشق گوشوار پیش مؤمن، ماتم آن پاک روح شهردار باشد ز صد طوفان توح چون که ایشان، خسرو دین بوده اند وقت شادی گشت، بگسستند بند سوی شادزوان دولت تاختند گنده و زنجیر را، انداختند * مولوی

* خیمه سوزان عصر عاشورا در شهرک شهید بهشتی

۱۴

محمد حسن صلواتی
شهرآرامحله